

جریان‌های مهاجرت داخلی و ویژگی‌های مهاجران به تفکیک استان

مجری

علی قاسمی اردستانی

همکار

علی حسینی راد

گروه پژوهشی آمارهای اقتصادی

پژوهشکده‌ی آمار

بهار ۱۳۸۷

به نام خداوند جان و خرد

پیش گفتار

سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن یکی از عمده‌ترین راه‌های شناخت کشورها از ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی برای برنامه‌ریزی، نظارت و ارزیابی خدمات و فعالیت‌های ملی و منطقه‌ای است. امروزه در اغلب کشورها سرشماری‌های نفوس به فاصله‌ی ۵ یا ۱۰ سال یک بار به مرحله‌ی اجرا در می‌آید. در جمهوری اسلامی ایران نیز سرشماری عمومی نفوس و مسکن مطابق ماده‌ی ۴ قانون مرکز آمار ایران، هر ده سال یک بار با فرمان رئیس جمهوری اجرا می‌شود. این سرشماری در سال‌های ۱۳۳۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ منطبق با جدیدترین روش‌های علمی به مرحله اجرا درآمده است.

از آنجایی که در این سرشماری‌ها، جمعیت به‌عنوان محور و هدف توسعه، از ابعاد مختلف مورد توجه قرار می‌گیرد و اطلاعات به تفصیل گردآوری می‌شود، لذا از منابع بسیار غنی در شناخت ویژگی‌های جمعیتی کشور محسوب می‌شوند.

اگرچه داده‌های خام سرشماری فی‌نفسه نمادهای گویایی از خصیصه‌های مختلف جمعیت یک جامعه‌اند، اما ارزش واقعی آن‌ها زمانی پدیدار می‌شود که توسط اهل فن با رویکرد به پیوندهای متقابل پدیده‌ها تحلیل و تفسیر شوند. به منظور حصول به این گونه تحلیل‌ها، پژوهشکده‌ی آمار برای اولین بار با کمک پژوهشگران و صاحب‌نظران اجتماعی، اقتصادی و آماری اقدام به انجام طرح‌های پژوهشی

در ابعاد گسترده در زمینه تحلیل ویژگی‌های جمعیتی (اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی)، مسکن، امکانات و تسهیلات، مهاجرت (داخلی، خارجی) نموده است.

مجموعه حاضر یکی از طرح‌های انجام شده در زمینه تحلیل نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ می‌باشد که امید است پاسخگوی بخشی از نیاز کاربران باشد.

گروه پژوهشی آمارهای اقتصادی

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
فصل اول: کلیات	۱
۱-۱- مقدمه	۱
۱-۲- بیان مسأله	۶
۱-۳- اهمیت و ضرورت تحقیق	۸
۱-۴- اهداف تحقیق	۹
۱-۵- روش تحقیق	۹
۱-۶- تعاریف و مفاهیم	۹
فصل دوم: پیشینه نظری و مهاجرت	۱۳
۲-۱- نظریه‌های مهاجرت	۱۳
۲-۱-۱- نظریه کارکردگرایی	۱۳
۲-۱-۲- نظریه محرومیت نسبی	۱۴
۲-۱-۳- مرحله دایره زندگی	۱۴
۲-۱-۴- نظریه تودارو	۱۵
۲-۱-۵- نظریه سرمایه انسانی (تئوری هزینه- فایده)	۱۶
۲-۱-۶- نظریه اورتلی	۱۸
۲-۱-۷- قوانین مهاجرت راونشتاین	۱۹
۲-۱-۸- مدل جاذبه و دافعه	۲۰
۲-۲- پیشینه تجربی	۲۰

۲۰ تحقیقات خارجی ۱-۲-۲
۲۳ تحقیقات داخلی ۲-۲-۲
۲۸ فصل سوم: جریان‌های مهاجرت داخلی
۱۳۳ فصل چهارم: ویژگی‌های مهاجران
۱۳۳ ۱-۴- علت مهاجرت
۱۴۲ ۲-۴- مدت اقامت مهاجران
۱۴۵ ۳-۴- تعداد نفر در خانوار
۱۵۰ ۴-۴- ترکیب سنی و جنسی مهاجران
۱۵۵ ۵-۴- وضع فعالیت اقتصادی
۱۶۰ ۶-۴- نوع محل سکونت افراد خانوارهای معمولی و گروهی ساکن
۱۶۹ فصل پنجم: نتیجه‌گیری
۱۷۵ منابع

فصل اول

کلیات

۱-۱- مقدمه

تاریخچه‌ی پیدایش مهاجرت چندان روشن نیست. بشر در طول تاریخ همواره در حال حرکت و جابجایی بوده است. انسان اولیه به دلایل مختلف از جمله بهبود بخشیدن به وضعیت زندگی، حس تنوع طلبی، اجبار عوامل سیاسی و امنیت و غیره به تغییر محل سکونت خود می‌پرداخته است. اما این جابجایی‌ها با آنچه امروز شاهد آن هستیم کاملاً متفاوت است. از آنجایی که در گذشته رشد جمعیت و در نتیجه جابجایی انسان‌ها در مقیاس بسیار کوچک‌تری صورت می‌گرفت، تأثیر این جابجایی‌ها بر ساختار اقتصادی اجتماعی و جمعیتی مناطق مهاجر فرست و مناطق مهاجرپذیر چندان قابل ملاحظه نبوده و حتی امری کاملاً طبیعی و بعضاً مفید تلقی می‌شد.

از اوایل قرن نوزدهم مهاجرت و به خصوص مهاجرت از روستا به شهر به‌عنوان یک پدیده‌ی اجتماعی مهم نمایان شد و لذا به طرز جدیدی مورد توجه صاحب‌نظران و اندیشمندان قرار گرفت. بروز تغییرات سریع در جامعه شهری، جاذبه شهرها، رفاه‌طلبی و افزون‌خواهی انسان عصر جدید سبب پیدایش نوع جدیدی از مهاجرت شد و به دنبال آن اصطلاح ترک روستا و روستاگریزی در سه دهه‌ی اول قرن بیستم رایج گردید (جمشیدی‌ها و علی بابایی ۱۳۸۱: ۷۲). البته مهاجرت و جابجایی انسان‌ها در جوامع پیشرفته و صنعتی با کشورهای در حال توسعه تمایز آشکاری دارد و چون علت و ماهیت این مهاجرت‌ها متفاوت بوده است، در نتیجه پیامدها و تأثیرات متفاوتی را بر جای گذاشته است. مهاجرت در معنای مورد نظر در ایران نیز بعد از اصلاحات ارضی دهه ۱۳۴۰ و در نتیجه تأثیرات آن تشدید می‌شود.

جابجایی جمعیت و تحرکات مکانی انسان‌ها در ایران سابقه طولانی دارد. قبل از سال ۱۳۰۰ بیش‌تر جابجایی‌های جمعیتی مربوط به نقل و انتقال اقوام، ایلات، عشایر و مهاجرت‌های شهر به شهر بوده است. وجود کوی‌ها و کاروانسراهای مربوط به ساکنان شهرهای دیگر یک شهر، می‌تواند نشانه جابجایی بین مناطق شهری باشد.

مهاجرت یک پدیده خالصاً اجتماعی - اقتصادی است که نتیجه مجموعه پیچیده‌ای از عوامل اجتماعی، روان‌شناختی، اقتصادی و سیاسی است. فرایند مهاجرت امری پیچیده است که نه تنها حجم و رشد جمعیت یک جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه تغییرات قابل ملاحظه‌ای را در ساخت و توزیع جمعیت ایجاد می‌کند. مهاجرت از دیرباز به‌عنوان یک عامل مؤثر بر حجم نیروی کار، توزیع نیروی کار برحسب مهارت، آموزش، تخصص و اشتغال، فرصت‌های شغلی، پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و تولید بوده است. مهاجرت همچنین عاملی است که پیامدهای اجتماعی و روان‌شناختی بر مبدأ و مقصد مهاجرت داشته است. مهاجرت همواره یک جزء مهم شهرنشینی، توسعه اقتصادی، تغییرات اجتماعی و سازمان سیاسی بوده است. مهاجرت با تغییر پایگاه، شغل و موقعیت مکانی فرد نیز مرتبط است.

مهاجرت یک پدیده‌ی پیچیده است که با زبان، فرهنگ و شرایط اقتصادی - اجتماعی ارتباط دارد. مهاجرت را می‌توان یک نوع تطبیق و سازگاری اجتماعی در پاسخ به نیازهای اقتصادی، اجتماعی و نیازهای فرهنگی محسوب کرد (تودارو و ۱۳۶۷: ۶). مهاجرت از عوامل اصلی تغییر و تحول جمعیت و مهم‌ترین عامل خارجی تغییر تعداد و ساخت جمعیت می‌باشد. به دلیل ماهیت مهاجرت و این‌که پدیده‌ای بین رشته‌ای است، تعاریف متعددی از آن به عمل آمده و هرکس نسبت به حوزه تخصصی و زمینه‌کاری خویش، سعی کرده آن را تعریف نماید. در فرهنگ دهخدا مهاجرت به معنای «ترک دیار گفتن و در مکان دیگر اقامت کردن» آمده است (دهخدا ۱۳۵۲: ۱۵۹). تروو^۱ (۱۹۹۷) مهاجرت را تغییر محل سکونت دانسته و بطور ساده آن را حرکت از یک محل به محل دیگر تعریف کرده است. مهاجرت‌های بشری از

^۱ . H.Tervo

طریق تغییر مکان سکونت گاهی به صورت موقتی و یا همیشگی و برای یک دوره قابل اندازه‌گیری است. برگ^۱ به عنوان مثال به کارگران فصلی اشاره می‌کند (Weinberg 1961:38).

لی^۲ (1966:49) تغییرات دائمی و نیمه دائمی در محل سکونت را ملاک اصلی تعریف مهاجرت در نظر گرفته است. کامیر^۳ (1975:36) مهاجرت را به‌عنوان حرکت افراد یا گروه‌هایی که تمایل به ماندن در مکان جدید برای بعضی دوره‌های اساسی زمانی دارند تعریف کرده است. در این پژوهش، "مهاجر فردی است که از سرشماری سال ۱۳۷۵ تا زمان سرشماری ششم نفوس و مسکن در آبان ۱۳۸۵ شهر یا آبادی محل سکونت خود را تغییر داده است."

پدیده مهاجرت از دیرباز در میان اقوام و تمدن‌های مختلف وجود داشته و انواع مهاجرت‌های انفرادی یا گروهی در فواصل دور و نزدیک در طول تاریخ اتفاق افتاده است. در گذشته‌های دور مهاجرت‌ها معمولاً بصورت گروهی و بیشتر با هدف دوری از وقایع ناگواری چون بیماری، قحطی و جنگ صورت می‌گرفت. طبیعت مهاجرت‌ها در گذشته بر اساس رفع نیازهای اولیه و اساسی انسان‌ها و بخصوص در گروه‌های جمعیتی به‌صورت قومی و قبیله‌ای بنا شده بود، اما با گذشت زمان این الگوی سنتی مهاجرت برای بقا، دستخوش تغییرات عمده‌ای شد. بطوری‌که در جهان امروز و در عصر ارتباطات، نقل و انتقال‌ها ساده‌تر شده، ابعاد آن گسترش یافته و اکثراً با هدف پیشرفت و دستیابی به رفاه و امکانات بهتر زندگی صورت می‌گیرد. بدیهی است که به دلیل فراگیر بودن پدیده مهاجرت مطالعات گسترده‌ای نیز پیرامون آن انجام شده است و هر یک از پژوهشگران، مؤسسات و دولت‌ها بر اساس اهداف و دیدگاه‌های خود به آن پرداخته‌اند و دسته‌بندی‌های متفاوتی بر حسب دوره‌های زمانی، مناطق یا کشورهای مبدا و مقصد، انگیزه‌های مهاجرت، نوع و طبقه افراد مهاجر و پیامدهای مثبت و منفی آن صورت گرفته است.

¹ . W.Berg

² . E.S. Lee

³ . K. Kameyyer

مهاجرت از یک دیدگاه می‌تواند به دو نوع مهاجرت‌های داخلی و مهاجرت‌های بین‌المللی تقسیم شود. مهاجرت‌های بین‌المللی مستلزم عبور از مرزهای بین‌المللی است (مهاجرت از یک کشور به کشور دیگر) در حالی که مهاجرت‌های داخلی در درون مرزهای یک سرزمین انجام می‌شود و به دو دسته مهاجرت‌های درون استانی و مهاجرت‌های بین استانی تقسیم می‌شود. اگر مهاجرت در درون شهرستان‌های یک استان انجام گیرد، مهاجرت درون استانی و اگر از یک استان به استان دیگر انجام شود، مهاجرت بین استانی است. مهاجرت‌های داخلی مشتمل بر چهار گروه؛ مهاجرت از شهر به شهر، مهاجرت از روستا به روستا، مهاجرت از شهر به روستا و مهاجرت از روستا به شهر است. هر یک از اشکال مذکور می‌تواند به صورت مهاجرت ناخالص یعنی مجموع برون کوچان و درون کوچان و مهاجرت خالص یعنی تفاضل مهاجرین وارد شده به یک محل و مهاجرین خارج شده از آن محل اندازه‌گیری شود.

در جدول شماره ۱-۱ گونه‌شناسی عمومی مهاجرت آمده است.

جدول ۱-۱- گونه شناسی عمومی مهاجرت

ویژگی های اصلی مهاجرت	طبقه بندی مهاجرت	ملاک طبقه بندی
اسکان و انطباق دائمی مهاجر در مقصد اسکان و انطباق مقطعی مهاجر در مقصد	۱-مهاجرت دائمی ۲-مهاجرت موقت	زمان
در درون مرز های ملی یک کشور صورت می گیرد فرا تر از مرز های ملی یک کشور صورت می گیرد	۱-مهاجرت داخلی ۲-مهاجرت خارجی	مکان و محدوده جغرافیایی
فرد به تنهایی مهاجرت می کند مهاجرت به صورت دسته جمعی صورت می گیرد	۱-مهاجرت فردی ۲-مهاجرت گروهی	حجم
مهاجرت برای حفظ شیوه های معمول زندگی صورت می گیرد مهاجرت برای ایجاد دگرگونی های اساسی در زندگی صورت می گیرد	۱-مهاجرت محافظه کارانه ۲-مهاجرت نوآورانه	انگیزه
به صورت خود انگیخته و با میل واراده شخصی صورت می گیرد به صورت غیر ارادی و تحمیلی مثلاً به علت جنگ یا زلزله صورت می گیرد جهت مقاصد استعماری صورت می گیرد(برده داری)	۱-مهاجرت ارادی ۲-مهاجرت اجباری ۳-مهاجرت استعماری	وضعیت
ترک یک روستا به قصد اقامت دائم در روستای دیگر ترک روستا به قصد اقامت دائم در شهر ترک یک شهر به قصد اقامت دائم در شهر دیگر ترک شهر به قصد اقامت دائم در روستا ترک شهر به قصد اقامت دائم در خارج کشور ترک روستا به قصد اقامت دائم در خارج کشور مهاجرت از خارج کشور به قصد اقامت دائم در یک شهر مهاجرت از خارج کشور به قصد اقامت دائم در یک روستا اسکان و انطباق دائمی عشایر در شهر مهاجرت در محدوده و فضای درون یک قاره مهاجرت فرا تر از محدوده فضایی یک قاره	۱-روستا به روستا ۲-روستا به شهر ۳-شهر به شهر ۴-شهر به روستا ۵-شهر به خارج کشور ۶-روستا به خارج کشور ۷-از خارج کشور به شهر ۸-از خارج کشور به روستا ۹-عشایر و اسکان آنها در شهر ۱۰-درون قاره ای ۱۱-برون قاره ای	منشا مهاجرت
مهاجرت مبتنی بر قانون و مقررات رسمی یک کشور مهاجرت به صورت پنهانی و به دور از چشم قانون صورت می گیرد	۱-مهاجرت قانونی ۲-مهاجرت غیر قانونی	قانون

منبع: مشفق ۱۳۸۰: ۵۲

در این پژوهش، طبقه‌بندی مهاجرت داخلی از لحاظ منشأ مهاجرت مورد نظر است. بر این اساس مهاجرت‌های روستا به روستا، روستا به شهر، شهر به شهر و شهر به روستا به تفکیک استان بررسی شده است.

۱-۲- بیان مسأله

طبق تئوری گزینشی بودن مهاجرت، همراه با هرگونه فرصتی که به وجود می‌آید، بعضی از افراد مهاجرت را برمی‌گزینند و برخی ماندن را، این امر برحسب تصادف نیست. معمولاً مهاجران ویژگی‌هایی دارند که موجب می‌شود زمینه‌های رفتن یا ماندن را در مقایسه با آن‌هایی که می‌مانند متفاوت ارزیابی کنند (ابرای ۱۳۷۰: ۸۲). مطابق با این تئوری، حداقل در ابتدا مهاجرت گرایش دارد افراد نسبتاً آموزش دیده، ماهر، خلاق و دارای انگیزه‌های بالای کاری را از جوامع فرستنده جذب کند. بررسی‌های داخلی و خارجی که درباره مهاجرت انجام شده توافق دارند که تمایل و تصمیم‌گیری برای مهاجرت با سن، جنس و تحصیلات بستگی دارد. مطابق بررسی اسکلدون، افرادی که مهاجرت می‌کنند معمولاً از بین افراد تحصیل کرده‌تر جامعه هستند، یعنی از خانوارهایی که توان صرف‌نظر کردن از نیروی کار خانوادگی فرزند خود را داشته و آنها را به دانشگاه می‌فرستند. افراد باسوادتر موقعیت‌های شغلی را که در دیگر مناطق وجود دارد بهتر شناسایی کرده و با موقعیت‌های جدید بهتر برخورد می‌کنند. اولین مهاجران از هر جامعه‌ای به نحو تقریباً تغییرناپذیری از نخبگان آن محل هستند (اسکلدون ۱۳۸۰: ۱۱۵). طبق نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، بیش‌ترین مهاجران زن و مرد در سنین ۲۴ - ۲۰ ساله (۱۳۲۰۷۶۶ نفر) قرار داشتند و سپس گروه سنی ۲۹ - ۲۵ ساله (۱۱۴۱۹۶۴ نفر) و بعد از تعداد نفرات گروه‌های سنی به نسبت جناحین گروه سنی کاسته می‌شد. همچنین در سرشماری یاد شده نسبت جنسی کل کشور ۱۰۳ و نسبت جنسی مهاجران ۱۲۳ گزارش شده است و این را می‌رساند که بیش‌ترین مهاجران را در کشور، مردان تشکیل می‌دهند. تفاوت نسبت جنسی در گروه سنی ۲۴ - ۲۰ ساله به بالاترین سطح خود می‌رسد (۹۶ برای کل و ۱۴۴ برای مهاجران). برای تحلیل نسبت جنسی مهاجران در ایران گروه

سنی ۲۹ - ۲۵ ساله مناسب است. در گروه سنی ذکر شده، نسبت جنسی برای مهاجران ۱۲۴ و برای کل کشور ۱۰۰ می‌باشد و این‌طور می‌توان بیان کرد که در این گروه سنی مردان بیش‌تر برای کسب درآمد، دانش، اشتغال و غیره مکان اقامت خود را ترک می‌کنند.

مبدأهای مهاجرین که اکثراً از نقاط کوچک و محروم هستند، سرمایه‌گذاری عظیمی بر نیروی انسانی خود نموده ولی به دلیل نداشتن سیستم‌های جذب افراد تحصیلکرده همانند؛ دانشگاه‌ها، ادارات و صنایع بزرگ و غیره، بسیاری از نیروهای انسانی ماهر خود را از دست می‌دهند که این امر مسائل مختلفی را در سطح جامعه به وجود می‌آورد.

مسئله‌آمیزترین جنبه این الگوی مهاجرت، محروم شدن مناطق فرستنده از نیروی انسانی ماهر با تحصیلات عالی می‌باشد. نیروی انسانی متخصص و ماهر در توسعه اقتصادی و اجتماعی هر جامعه‌ای نقش اساسی دارد. سرمایه مادی در هر جامعه‌ای با نیروی انسانی متخصص و کارآمد است که به جریان افتاده و به توسعه اجتماعی و اقتصادی جامعه می‌انجامد.

مهاجرت جوانان موجب کاهش نیروی جوان و رشد جمعیت، افزایش نسبت سالخوردگی و در نتیجه افزایش نسبت وابستگی در مبدأ می‌گردد. طبق بررسی‌های وزارت امور اقتصادی و دارایی (۱۳۷۵: ۲۵)، در روستاها و شهرهای کوچک ایران، نرخ رشد جمعیت پایین‌تر از نرخ طبیعی می‌باشد. بنابراین، این الگوی مهاجرت، برای مبدأ چیزی جز فقر، عقب‌ماندگی و وابستگی نمی‌تواند به‌همراه داشته باشد.

داسگوپتا^۱ (1993: 277) در مقاله «مهاجرت‌های روستا-شهر و توسعه روستایی» معتقد است: «مهاجرت ارمغان فقر در مناطق روستایی و برتری کمی زنان و سالخورده شدن جمعیت از پیامدهای آن محسوب می‌شود.» با خروج مهاجران از روستا، نیروی کار روستا و در نتیجه تولید روستایی کاهش می‌یابد. یعنی مهاجرت روستاها را از نیروی کار خالی می‌کند و باعث ایجاد الگوی نابرابر نیروی کار می‌گردد. لذا این

^۱ . B. Dasgupta

امر روستا را از تحولی اساسی دور می‌کند، زیرا محیط را از نیروی تحول‌زا (کارگر روستایی) تخلیه می‌کند (Amin 1974:104).

امروزه مهاجرت و به تبع آن حاشیه نشینی به بنیادی‌ترین و اساسی‌ترین مساله جمعیتی تبدیل شده است. این امر به خصوص در کشورهای جهان سوم تبدیل به یک معضل اجتماعی شده است.

۱-۳- اهمیت و ضرورت تحقیق

مهاجرت به‌عنوان یک واقعه اجتماعی با بسیاری از وقایع اجتماعی که منبث از عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، جمعیتی و غیره جوامع هستند، در ارتباط بوده و حالتی تأثیرگذار و تأثیرپذیر (تعاملی) با آنها دارد. شناخت این تأثیرپذیری از محرک‌های اصلی آن از جمله اشتغال، تحصیلات، جنسیت، مسافت و پیروی از خانواده می‌تواند به برنامه‌ریزی در جهت استفاده مطلوب از این تأثیرپذیری بیانجامد و مسائل ناشی از مهاجرت را تعدیل نماید.

بالان^۱ (1981) در خصوص افزایش مطالعات مهاجرت اظهار داشته که: افزایش در مطالعات مهاجرت از دهه ۱۹۶۰ به بعد شاید پاسخی برای گسترش علاقه در میان سیاستگذاران و برنامه‌ریزان در مورد رشد جمعیت و مخصوصاً شهرنشینی باشد. پیمایش‌های شهری هم‌اکنون به اهمیت اقامت‌های کوتاه‌مدت در شهرها حساس بوده، درحالی‌که قبلاً نادیده گرفته می‌شد.

از آن‌جا که مهاجرت محل زندگی مهاجران را به همراه کل محیط اقتصادی و اجتماعی که افراد در آن رفتاری دارند و به هم مرتبط می‌شوند را الزاماً تغییر می‌دهد، لذا شناخت ویژگی‌های مهاجران لازم می‌آید. از طرفی همان‌طور که عنوان شد، برای شناخت پدیده مهاجرت بایستی وجوه مختلف آن را در نظر گرفت. بنابراین برای شناخت دقیق جریان‌های مهاجرت داخلی و همچنین برنامه‌ریزی در جهت مهاجرت‌های داخلی به تفکیک استان، بررسی جریان‌های مهاجرت داخلی و ویژگی‌های افراد مهاجر در استان‌های کشور ضروری بنظر می‌رسد.

^۱ . J. Balan

۱-۶- اهداف تحقیق

اهدافی که در این پژوهش دنبال می‌شود عبارتند از:

- ۱) شناخت جریانهای مهاجرت داخلی: مهاجرت‌های درون استانی و بین استانی و مهاجرت‌های روستا-شهر، شهر-شهر، روستا-روستا و شهر-روستا در کل کشور و به تفکیک ۳۰ استان.
- ۲) شناخت تعداد مهاجران (مهاجران وارد شده، خارج شده و خالص مهاجرتی)، علت مهاجرت، مدت اقامت مهاجران و شناسایی استان محل اقامت قبلی به تفکیک ۳۰ استان.
- ۳) شناخت ویژگی‌های مهاجران از لحاظ سن، جنس، بعد خانوار، وضعیت اشتغال، نوع محل سکونت (واحد مسکونی معمولی، چادر، کپر و ...) و نحوه تصرف محل سکونت به تفکیک ۳۰ استان و بررسی مقایسه‌ای آن با جمعیت بومی استان‌های مربوطه.

۱-۵- روش تحقیق

روش تحقیق در این بررسی، تحلیل ثانویه داده‌های حاصل از «سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵ مرکز آمار ایران» است. جامعه آماری کسانی هستند که «در فاصله زمانی سرشماری‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵، شهر یا آبادی محل اقامت خود را تغییر داده‌اند.» لازم به ذکر است که کلیه داده‌های مورد استفاده در جداول و نمودارها، حاصل نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵ می‌باشد که توسط مرکز آمار ایران گردآوری شده است. داده‌های گردآوری شده در نرم افزار *Excel* مورد بازبینی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

۱-۶- تعاریف و مفاهیم

میزان مهاجرفرستی: عبارت است از نسبت همه افرادی که منطقه‌ای خاص را طی دوره زمانی مشخصی ترک می‌کنند به تعداد کل جمعیت آن منطقه در میانه همان دوره زمانی.

$$\text{میزان مهاجرفرستی} = \frac{\text{تعداد کل مهاجران خارج شده}}{\text{جمعیت میان دوره}} \times 1000$$

میزان مهاجرپذیری: عبارت است از نسبت همه افرادی که طی دوره زمانی مشخص به منطقه‌ای خاص وارد می‌شوند به تعداد کل جمعیت آن منطقه در میانه همان دوره زمانی.

$$\text{میزان مهاجرپذیری} = \frac{\text{تعداد کل مهاجران وارد شده}}{\text{جمعیت میان دوره}} \times 1000$$

خالص مهاجرت: عبارت است از حاصل تفریق "تعداد افرادی که منطقه مشخصی را طی دوره زمانی معین ترک می‌کنند" (E^1) از "تعداد افرادی که طی همان دوره زمانی وارد منطقه مذکور می‌شوند" (I^2). اگر این دو رقم با هم برابر باشند ($I=E$) میزان خالص مهاجرت برابر با صفر می‌شود. اگر تعداد مهاجران وارد شده بیش از مهاجران خارج شده باشد ($I>E$) این میزان مثبت و چنانچه تعداد مهاجران خارج شده بیش از مهاجران وارد شده باشد ($I<E$) این میزان منفی خواهد بود.

$$\text{میزان خالص مهاجرت} = \frac{\text{مهاجران خارج شده} - \text{مهاجران وارد شده}}{\text{جمعیت میان دوره}} \times 1000$$

اگر حاصل میزان خالص مهاجرت مثبت باشد بیانگر مهاجرپذیر بودن منطقه و اگر منفی باشد نشان‌دهنده مهاجرفرست بودن منطقه می‌باشد.

میزان کل مهاجرت: عبارت است از نسبت مجموع تعداد کل مهاجران وارد شده و خارج شده از یک منطقه در یک دوره زمانی به تعداد کل جمعیت آن منطقه در میانه دوره زمانی مذکور.

$$\text{میزان کل مهاجرت} = \frac{\text{مهاجران خارج شده} + \text{مهاجران وارد شده}}{\text{جمعیت میان دوره}} \times 1000$$

مهاجر: فردی است که در فاصله زمانی سرشماری‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ شهر یا آبادی محل سکونت خود را تغییر داده است.

¹ . Emigration

² . Immigration

غیر مهاجر(بومی): فرد بومی یا غیر مهاجر کسی است که در محل تولد خود سکونت دارد و یا حداقل ۱۰ سال اخیر در محل سکونت فعلی اقامت داشته است.

نسبت مهاجرت: عبارت است از نسبت تعداد خالص مهاجران یک منطقه طی دوره زمانی معین به حاصل تفریق تعداد مرگ و میرها از تعداد تولدهای آن منطقه طی دوره زمانی مذکور. این شاخص سهم مهاجرت را نسبت به افزایش طبیعی جمعیت (موالید و مرگ و میر) در تغییرات حجم جمعیت نشان می‌دهد.

$$\text{نسبت مهاجرت} = \frac{\text{تعداد خالص مهاجران}}{\text{تعداد فوت شدگان} - \text{تعداد موالید}} \times 1000$$

خانوار معمولی: خانوار معمولی از چند نفر تشکیل می‌شود که با هم در یک اقامتگاه زندگی می‌کنند، با یکدیگر همخرج هستند و معمولاً با هم غذا می‌خورند. در مواردی خانوار معمولی می‌تواند یک نفره باشد.

خانوار معمولی ساکن: خانواری که در اقامتگاه ثابت (مکان‌های محل سکونت ساخته شده از مصالح سخت و نیز چادر ثابت، آلونک، کپر و...) سکونت دارد، "خانوار معمولی ساکن" نامیده می‌شود.

خانوار معمولی غیر ساکن: خانواری که در زمان سرشماری در اقامتگاه ثابتی سکونت ندارد، "خانوار معمولی غیر ساکن" نامیده می‌شود. این دسته از خانوارها سه گروه زیر را در بر می‌گیرد:

۱- خانوارهایی که در زمان سرشماری در کوچ بسر می‌برند و یا در خارج شهرها و آبادی‌ها در سرپناه قابل حمل زندگی می‌کنند.

۲- خانوارهایی که در محل ثابتی زندگی نمی‌کنند و به‌طور مداوم محل زندگی خود را تغییر می‌دهند، مانند کولی‌ها.

۳- خانوارهایی که محل زندگی مشخصی ندارند و شب‌ها معمولاً در پارک‌ها، خرابه‌ها، زیر پل‌ها و غیره بیتوته می‌کنند.

خانوار مؤسسه‌ای: مجموعه افرادی که به‌دلیل داشتن هدف یا ویژگی‌های مشترک با هم در یک مؤسسه زندگی می‌کنند و آن مؤسسه بنا بر مجوز یا بر اساس مقررات و ضوابط معینی مسئولیت منزل دادن (ارائه محل سکونت همراه با خدمات و تسهیلات) به آنان را بر عهده دارد خانوار مؤسسه‌ای نامیده می‌شود. نمونه‌های مشخصی از خانوارهای مؤسسه‌ای عبارتند از: پادگان‌ها و پاسگاه‌های نظامی و انتظامی، خوابگاه‌های دانشجویی که تحت مدیریت یکی از دانشگاه‌ها اداره می‌شود بجز خوابگاه‌های متأهلین، آسایشگاه‌های روانی و غیره.

خانوار گروهی: مجموعه افرادی که تمام یا اغلب آنان به‌دلیل دارا بودن شرایط خاص (به‌طور عمده داشتن ویژگی مشترک) اقامتگاه مشترکی را برای سکونت خود انتخاب کرده‌اند و به‌طور مشترک امور زندگی در آن اقامتگاه را اداره می‌کنند خانوار گروهی نامیده می‌شود.

شهر (نقطه شهری): منظور از شهر، هر یک از نقاط جغرافیایی است که دارای شهرداری باشد.

آبادی (نقطه روستایی): آبادی به مجموعه یک یا چند مکان و اراضی به هم پیوسته (اعم از کشاورزی و غیر کشاورزی) گفته می‌شود که خارج از محدوده شهرها واقع شده و دارای محدوده ثبتي یا عرفی مستقل باشد. اگر آبادی در زمان سرشماری، محل سکونت خانوار یا خانوارهایی باشد، "دارای سکنه" و در غیر این صورت، "خالی از سکنه" تلقی می‌شود.

فصل دوم

پیشینه نظری و تجربی

۲-۱- نظریه‌های مهاجرت

الگوها و روندها در مهاجرت اظهار می‌دارند که تنها با تأکید بر یک رشته یا یک سطح تحلیل نمی‌توان جریانهای مداوم مهاجرتی را تبیین کرد. بلکه ماهیت چندوجهی آن نیازمند نظریه پیچیده‌ای است که دورنماها، فرضیه‌ها و سطوح گوناگون را دربرمی‌گیرد (Massey et al 1993: 431). بر این اساس به برخی از نظریه‌های مهاجرت اشاره می‌شود تا در تبیین و تحلیل جریانهای مهاجرت و ویژگی‌های مهاجران مورد استفاده قرار گیرد.

۲-۱-۱- نظریه کارکردگرایی

در رابطه با دلایل مهاجرت، کارکردباوران فرضشان بر این است که تمام نیازهای اجتماعی در چارچوب نظام‌های اجتماعی آموخته می‌شوند. کنشگران در یک نظام به نیازهایی باور دارند که در آن نظام نمی‌توانند آن‌ها را برآورده کنند. لذا ممکن است تحولات لازم برای کاهش ناهماهنگی بین احساس نیاز و امکان تحصیل آن در کنشگر یا در نظام و یا در هر دو اتفاق بیافتد. درک ناهماهنگی‌های بین خصایص فرد و نظام اجتماعی منجر به مهاجرت شخص جهت کاهش ناهماهنگی‌های ساختی می‌شود (لهسائی‌زاده ۱۳۶۸: ۶۱). از جمله طرفداران رویکرد کارکردگرایی می‌توان به صاحب‌نظران مکتب نوسازی اشاره نمود. پیروان این مکتب در ارتباط با مسأله مهاجرت از مفهوم عدم تعادل استفاده کرده و بر این باورند که نفوذ ارزش‌های غربی و اشکال مصرف در کشورهای عقب‌مانده آرمان و آرزوهای جدیدی را در میان بخش‌های پویای جامعه به وجود می‌آورد. این تغییرات اجتماعی تعادل را در این جوامع برهم می‌زنند و

چون شهرهای بزرگ هستند که آمادگی ارائه این ارزش‌های جدید را دارند، بنابراین افراد برای دستیابی به این اهداف و آرزوها به سوی این مناطق مهاجرت می‌کنند. بر این اساس استدلال می‌شود که مهاجرت نتیجه منطقی شکاف در ارزش‌ها و عامل بازگرداننده تعادل از دست رفته به جامعه است. از اینرو در دوران نوسازی جامعه، مهاجرت امری طبیعی است (حسینی ۱۳۸۱: ۱۱۶).

۲-۱-۲- نظریه محرومیت نسبی^۱

استارک^۲ کسی است که نظریه محرومیت نسبی را مطرح کرده است. مطابق با این تئوری، رفاه و خشنودی خانوار نه تنها از افزایش در وضعیت صرف اقتصادی ناشی می‌شود بلکه همچنین از طریق مقایسه با دیگر خانوارها در اجتماع مرجع^۳ صورت می‌گیرد. یعنی اینکه خانوارها نه تنها در جهت بهتر شدن درآمدشان فعالیت می‌کنند، بلکه می‌خواهند درآمدشان را نسبت به درآمد دیگران در اجتماع ترفیع دهند. گرچه خانوارها اگر درآمدشان پایین باشد به مهاجرت برانگیخته می‌شوند ولی اگر سطح درآمد در همه‌جا پایین باشد سطح انگیزش کاهش خواهد یافت. اگر برخی خانوارها درآمد بیشتری داشته باشند، خانوار فقیر، هم بطور نسبی و هم بطور مطلق احساس محرومیت کرده و انگیزه به مهاجرت به همان نسبت بالاتر خواهد رفت (Massey 1990: 13). رویکرد یاد شده، با توجه به محرومیت در یک منطقه نسبت به منطقه دیگر، امکان بالقوه و بالفعل و برخورداری از مزایای دیگر و رفع نسبی محرومیت، حرکت مهاجرتی را تبیین می‌کند.

۲-۱-۳- مرحله دایره زندگی

مرحله دایره زندگی مبنی بر این است که مهاجرت در مراحل خاصی در زندگی افراد اتفاق می‌افتد. برای مثال، جوانانی که تازه وارد نیروی کار شده و یا ازدواج کرده‌اند برای مهاجرت مستعدتر می‌باشند.

1. Relative Deprivation Theory
2. Stark
3. Reference Community